

چند سند منتشر نشده از :

دکتر محمد مصدق



به دلیل قابل استفاده نبودن عکس کتاب ، این عکس را اضافه کردم .



م. دهسوی

"... این دادگاه بهیچوجه منالوجه صالح نیست و من اکنون می‌خواهم از روی حقیقتی برده برگزیم و آن اینستکه در طول تاریخ مشروطیت ایران این اولین باری است که یک نخست‌وزیر قانونی را بحسب و بند می‌کشند و روی کرسی اتهام می‌نشانند و برای شخص من خوب روشن است چرا این طور شده ولی من میخواهم قاطبه ملت ایران و بخصوص طبقه جوان و تحصیل کرده که چشم و چراغ ملکت و پایه امید این ملکت هستند نیز ملت این سخت‌گیری و شدت عمل را بدانند و از راهی که برای طرد نمود استعماری بهگانگان پیش گرفته‌اند منحرف نشوند و از مشکلاتی که در پیش دارند نهراسند و از راه حق و حقیقت منحرف نشوند پس گناهان زیادی نسبت دادند و من میدانم یک گناه بیشتر نکرده‌ام و آن اینست که تسلیم تعاللات خارجیان نشده و دست آنان را از منابع ملی کشور کوتاه کردم..."

از سخنان دکتر محمد مصدق در مقابل پیدادگاه نظامی شاه

ص ۶ لازم بتذکر نیست که پس از کودتا گروهی ورود شاه

فراری به ایران را تبریک گفته و از کودتای آمریکائی - انگلیسی ننگین ۲۸ مرداد بعنوان " نهضت ۲۸ مرداد " و " قیام ملی " یاد کرده و با دولتهای دست نشانده بیگانه و غیرقانونی پس از کودتا همکاری و گروهی نیز سکوت اختیار کردند . در آن ایام تیره و تاریک پرچم مبارزه با امپریالیسم و عواملش را تنها دکتر مصدق و پیروان صدیق او و مشتاقان استقلال ایران برافراشته نگاه داشتند .

دکتر مصدق به همین جرم پس از کودتا سه سال را در زندان و بقیه عمر پر برکت و پرافتخارش را در تبعید گذراند .  
بر او درود !

"بشام خدا"

در چهاردهمین سالگرد ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ و آغاز سومین سالگرد برفروزی جمهوری اسلامی ایران برهبری امام امت آیت‌الله العظمی امام خمینی ، چند سند منتشر شده از پیشوای نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق را به یویندگان راه آزادی و استقلال تقدیم نموده، وحدت هرچه بیشتر ملت در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و عواملش و همچنین ساختن ایران اسلامی آزاد و مستقل و پیشرو را در برتو وحدت آرمان و رهبری از درگاه ایزدسان خواستاریم.

در سخن از دکتر مصدق بهترین دیده شد تا پاره‌ای از نظریات سه تن از شهدای اسلام و ایران : ابودر زمان " پدیر طالقانی " ، معلم شهید انقلاب دکتر علی شریعتی و ساجد شهید سعید محسن را بعنوان پیشگفتار در آغاز بیاوریم .



نخست وزیر

تاریخ: ۲۲/۵/۲۶

شماره: ۱۷۲۰۶

پیوست: .....

ستاد آرٹس

مقتضی است بمامورین مربوطه اکیدا دستور فرمائید نهایت  
مراقبت را بعمل آورند که از فرار سرنشکر زاهدی جلوگیری  
شود . چنانچه تسامحی در اینباب بعمل آید موجب  
مسئولیت شدید خواهد بود . نخست وزیر

تاریخ: ۲۲/۵/۲۶

شماره: ۱۷۲۰۶

پیوست: .....

نخست وزیر

ستاد آرٹس

مقتضی است بمامورین مربوطه اکیدا دستور فرمائید نهایت مراقبت را بعمل  
آورند که از فرار سرنشکر زاهدی جلوگیری شود . چنانچه تسامحی در اینباب بعمل  
آید موجب مسئولیت شدید خواهد بود .

نخست وزیر

دکتر محمد مصدق

صبح دوشنبه نهم شهریور ماه ۱۳۳۲

هیئت محترم وزیران

دیشب برای اولین بار پس از توقیف از رادیو اطاق مجاور شنیده شد که این جانب اقدامات خلاف قانونی بعمل آورده یا در صدد چنین اقداماتی بوده‌ام.

این جانب در مدت تصدی خود جز برای پیشرفت نهضت ملی ایران و جز برطبق قانون و اختیارات قانونی قدمی برنداشته‌ام و اگر فرصتی بدست افتاد جواب این اتهامات یا دلایل آن بعرض ملت ایران خواهد رسید ولی از جواب یک اتهام در این جا ناگزیرم زیرا تأخیر جواب آن بمصلحت کشور نیست و آن اینکه در رادیو گفته شد این جانب در صدد تغییر رژیم بوده‌ام و دلیل آن هم دستور تهیه مراجعه بآراء عمومی است این اتهام ناروا و این استدلال کاملاً بی‌اساس است زیرا دلایل قویه در دست است که نه این جانب در صدد تغییر رژیم بوده و نه مراجعه بآراء عمومی برای تغییر رژیم بوده است امیدوارم جلسه محاکمه‌ای که بآن در رادیو اشاره شده بود در محکمه صالحه بزودی تشکیل شود تا اگر امر بر عده قلیلی از مردم ایران هم مشتبه شده باشد آن اشتباهات رفع شود.

ششم آبهم مهرماه ۱۳۳۲

بیت مسم در بیان

ریش برار روین با ریش در تعریف در را و پطآن مبادر شده به طبع سببها  
 خدغه تاوزه بهر کورده یا رصده رخص آهرا تا موده  
 اینکس در رسنه بعدن خود خوار شرفت نهضت با اربان و خورطن اربان  
 تاوزه ترمی تر شهبام و کور فصر رسنه آرد حوا - اج انکس تا و لایزان  
 نلت اربان خود اربان و نه ارحوا - کراشم رواج با کورشم بر اربان  
 مصلوت کور رسنه ران کور در را و کور رسنه اربان رسنه تر رسنه  
 به اربان در رسنه و کور رسنه بر رسنه آراد شرمی آه اربان اربان اربان  
 رسنه لال کا کور رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه  
 تعیر رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه  
 علمه ماکم اربان در را و رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه  
 تا اگر اربان رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه رسنه

دکتر محمد مصدق

امضا کننده ذیل دکتر محمد مصدق که در مقام نخست وزیر ایران بر اثر کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوسیله قوای نظامی دستگیر شده و زندانی هستم و در یک دادگاه نظامی غیرقانونی و بدون صلاحیت تحت محاکمه میباشم وکیل نمودم آقایان محترم علی شهیدزاده و بهرام مجدزاده و حسن صدر وکلای دادگستری را متفقاً "یا منفرداً" برای درخواست فرجام نسبت بهر قرار و حکمی که برخلاف قانون از دادگاه نظامی غیرقانونی بر علیه این جانب صادر شود و برای تهیه و تقدیم لایحه اعتراضات فرجامی و بیان کلیه ایرادات مربوطه بغیر قانونی بودن دادگاه و عدم صلاحیت آن و اعتراضات مربوطه بجریان محاکمه و صدور حکم و قرارداد بطور کلی هرگونه ایراد و اعتراض قانونی و قضائی و برای تعقیب امر در دیوان عالی کشور تا خاتمه رسیدگی فرجامی - چنانچه دادگاه دیگری بعنوان دادگاه تجدیدنظر که قطعاً "وقهراً" غیرقانونی خواهد بود برای محاکمه این جانب تشکیل شود آقایان محترم حسن صدر و بهرام مجدزاده و علی شهیدزاده نیز از طرف این جانب وکالت دارند که بعنوان وکیل مدافع در آن دادگاه تجدیدنظر غیرقانونی شرکت فرموده و با کلیه اختیارات لازمه قانونی از این جانب دفاع نمایند.

بیست و نهم آذرماه ۱۳۳۲

دکتر محمد مصدق

اصحاح شده. دیر دکتر محمد مصدق در مقام نخست زوری ایران برادر زوری نظامی

۲۸ مرداد ۱۳۲۲ رسیدن نظامی دستگیر شده زور زاده اتم در دیک دارگاه نظامی جوادیه در تهران

صدقت تحت محاکمه میباشم و کینه بودم تا این کرم علی بنیه زاده دهرام محمد زاده حسن صدر در کندی

سقطاً یا سفرداً برای درج است فوجان نیت بهر قرار و عکس جویف تا زن او در دارگاه نظامی جوادیه

این جانب صادر نمود و برای تهیه و تعلیم دیدگاه قهرصاات فرجامی بیان کلیه ایرادات در وقت نشر

دارگاه و عدم صدق آن در قهرصاات بر طبق قوانین ماکه و صدور حکم و قرار و بطور کلی از آزادی

تا نوبت قضاء و بر طبق امر و در آن عالی کتور احاطه رسیدگی فرجامی به چه کیم در دارگاه

تفتوا و دارگاه بکه نظر به قطعاً رتقاً غیر قانونی خواهد بود ماس که این جانب بکسر و در آن

حسن صدر دهرام محمد زاده و علی بنیه زاده نیز از طرف این جانب کاتب دارگاه

در آن دارگاه بکه نظر غیر قانونی ترکس فرورده و کلیه ضحایات نمودن تا نوبت ارایه

بیت زهم کرده ۱۳۲۲ دکتر محمد مصدق

زندان لشکر ۲ زرهی ۱۷ اسفند ۱۳۳۲

تیسمار سرلشکر جوادی ریاست محترم دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر

در سی ام آذرماه که حکم محکومیت این جانب در دادگاه غیرقانونی فوق العاده قرائت شد در همان جلسه در حکم مزبور درخواست فرجام نمودم و روز ۳ دیماه هم که باین جانب تکلیف تجدیدنظر شد تقاضای تجدیدنظر هم باین شرط که مانع رسیدگی فرجامی نشود بعمل آمد ولی دیوان کشور که برطبق درخواست وکلای این جانب پرونده را برای رسیدگی فرجامی خواست آقای سرتیپ آزموده در نهم دیماه بدیوان کشور جواب نگاشت که از ارسال پرونده بواسطه ضرورت آن در دادگاه معذور است و این یک ظلم فاحشی بود که در حق این جانب روا داشت:

(۱) بیرونده احتیاج فوری نبود چون که دادگاه روز ۴ بهمن شروع بقرائت آن نمود.

(۲) درخواست فرجام در ۳۰ آذر شده بود و درخواست تجدیدنظر در سوم دیماه در اینصورت فرجام بتجدیدنظر حق تقدم داشت خصوصاً اینکه تقاضای تجدیدنظر باین شرط شده بود که مانع رسیدگی فرجامی نشود.

(۳) دیوان کشور و دادگاه تجدیدنظر هر دو باید در صلاحیت دادگاه بدوی یا فوق العاده رسیدگی کنند و محل تردید نیست دیوان کشور که صلاحیت آن محرز است بدادگاه تجدیدنظر که صلاحیت خود آن محل حرف و مورد اعتراض است اولویت داشت.

(۴) درخواست فرجام از نظر مسایل قانونی از جمله قانونی نبودن تشکیل و عدم صلاحیت بود رسیدگی باین مسائل مقدم است برسیدگی در

ماهیت که در تجدیدنظر رسیدگی میشود چنانچه دیوان کشور نظر می داد که دادگاه نظامی برای محاکمه این جانب صالح نیست موضوع منتفی بود و هیچ چیز ایجاب نمی کرد که دادگاه تجدیدنظر هم مثل دادگاه بدوی یا فوق العاده مرا برخلاف قانون مدتی در حبس مجرد معذب بدارد .

با تمام این دلایل چون در جرائد میخواندم که ریاست محترم دادگاه تجدیدنظر و تیمساران دادرسان میخواهند که در این دادگاه رأی عادلانه و منصفانه بدهند و باین لحاظ پرونده را با دقت مطالعه می نمایند از ۴ بهمن که دادگاه تجدیدنظر شروع بقرائت پرونده نمود منتظر بودم هرچه زودتر تکلیف این جانب را معلوم فرمایند ولی تا امروز که صدور رأی محکومیت متجاوز از ۷۵ روز و از قرائت پرونده متجاوز از ۴۰ روز می گذرد تکلیف این جانب معلوم نشده و کاسه حوصله و صبرم لبریز گردیده است و بیش از این نتوانستم در حبس مجرد سکوت اختیار کنم و چیزی در این باب عرض ننمایم این است که از آن تیمسار تمنا مینمایم پرونده امر را برای رسیدگی بدرخواست فرجام این جانب و وکلایم بدیوان کشور بفرستند تا بیش از این در حال بلاتکلیفی بسر نبرم .







۱۴ فروردین ۱۳۳۳ از زندان لشکر ۲ زرهی

جناب آقای سرلشکر عبدالله هدایت وزیر دفاع ملی

در سی ام آذرماه گذشته که حکم محکومیت این جانب از دادگاه بدوی نظامی صادر شد بلافاصله در همان جلسه تقاضای فرجام نمودم و وکلای این جانب هم از دیوان کشور درخواست نمودند ولی روز سوم دیماه که باین جانب تکلیف شد تقاضای تجدیدنظر کنم نظر باینکه ماده ۲۳۲ قانون دادرسی ارتش و کیفر می گوید: "درخواست تجدیدنظر موجب توقیف اجرای حکم دادگاه بدوی خواهد بود" و این جانب تا رسیدگی دیوان کشور از حبس مجرد که برایم غیرقابل تحمل بود خلاص می شدم تقاضای تجدیدنظر هم نمودم و با اینکه دادگاه تجدیدنظر تا روز چهارم بهمن ماه شروع بقرائت پرونده نکرده بود آقای سرتیپ آزموده دادستان غیرقانونی ارتش از ارسال پرونده بدیوان کشور باین عذر که پرونده مورد احتیاج دادگاه تجدیدنظر است خودداری نمود و دیوان کشور نتوانست وارد رسیدگی فرجامی شود و دادگاه تجدیدنظر هم تا روز ۲۷ اسفندماه یعنی قریب سه ماه مرا بر خلاف قانون در حبس مجرد بلا تکلیف گذاشت که روز مزبور تصمیم گرفتم دیگر غذا نخورم و جان خود را از ظلم و ستم این دستگاه خلاص نمایم که بعد از ظهر آن روز آقای سرتیپ آزموده که هیچ نمیخواستم او را به بینم غفلتا" با تا قم وارد شده و اظهار نمود که این جانب در نتیجه مرض جنونی که عارضم شده غذا نمیخورم و گفت بدستهای شما دستبند میزنم و شما را روانه تیمارستان

مینمایم پس از آن پنجنفر افسر را که قرب اتاقم بودند دعوت باتاق نمود که صورت مجلس تهیه کند و یکی دو سطر هم نوشت و بعد معلوم نشد چراپشیمان شد و موضوع را تعقیب ننمود.

فردای آن روز مجدداً آمد و گفت شرحی بدادستانی ارتش بنویسید تا تکلیف شما زودتر معلوم شود و این جانب نوشتم که با هر قید و شرطی که لازم باشد اجازه دهند ایام تعطیل عید را در احمدآباد بگذرانم و روزیکه دادگاه تشکیل میشود بشهر آمده وظایف خود را انجام دهم که جواب ایسن نامه باین جا رسید که روز ۲۹ اسفندماه چهار نفر تیمساران محترم: سرلشکر مرتضی زاهدی معاون وزارت دفاع ملی از طرف آن جناب و سرتیپ ورهرام از طرف ریاست ستاد ارتش و سرتیپ آزموده با دعای خودش از طرف ملت و سرتیپ تیمور بختیار فرماندار نظامی طهران بملاقات این جانب آمدند و قول دادند که بعد از ایام تعطیل عید حتماً دادگاه تشکیل شود و تکلیف این جانب را معلوم کند ولی در جریده کیهان روز ۱۱ فروردین دیده شد که تیمسار سرلشکر جوادی رئیس دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر ارجع باین موضوع چنین اظهار نظر نموده اند: "علت تعویق در شروع دادرسی باقی ماندن قسمتی از پرونده است که هنوز مطالعه نکرده ایم باید خوب پرونده را خواند سپس قضاوت کرد دادگاه هنوز این مطالعه را انجام نداده است از این لحاظ شروع محاکمه معلوم نیست" این است شرح واقعه که لازم شد باستحضار آن جناب که بوسیله معاون خود در این کار دخالت داشتهاید برسانم.

اکنون عرض می‌کنم که بلا تکلیفی این جانب از این نظر است که چون میدانند تحمل حبس مجرد از قدرت این جانب خارج است و قهراً وضعیتم طوری خواهد شد که از حال طبیعی خارج و عصبانی شوم آنوقت مرا روانه بیمارستان کنند که اگر آنجا غذا نخورم و از بین بروم آن را بجنون نسبت دهند از بیقانونی این دستگاه همین بس که من در دادگاه غیرقانونی سه سال حبس مجرد محکوم شده‌ام ولی اموال من اسناد من اوراق قرضه ملی من

جواهرات دخترم که نزد من امانت بوده قبوض مال الاجاره موقوفات بیمارستان نجمیه که من متولی قانونی آن موقوفاتم و چنانچه قبوض رسمی را در مقابل وجهی با مستأجر معامله کنند مال موقوفه از بین می‌رود که محکوم نشده‌اند و تا این روزباین عنوان که از رمز صندوقی که در آن این اسناد گذارده شده فقط سرکار سرگرد صالح مطلع است و او هم در آمریکا است آنها را باین جانب مسترد ننموده‌اند این را هم لازم است عرض کنم اسنادی که بحقانیت دولت ایران و برعلیه شرکت سابق نفت بوده نیز در گاوصندوق و اتاق خواب من و اتاق مجاور آن بوده که هرچه در آن دو اتاق بوده تمام را برده‌اند و فقدان این اسناد سبب شده است که این جانب نتوانم حساب خود را با مردم تصفیه کنم و یک وصیت نامه‌ای که تکلیف او لادم در آتیه معلوم شود در حال حیات منظم نمایم .

نظر باینکه مرگ برایم بزرگترین آرزوست و تحمل حبس مجرد برایم غیرممکن تصمیم گرفتم که تا روز شنبه ۲۱ فروردین اگر محاکمه این جانب شروع نشود قبل از اینکه مرا بعنوان مرض جنون روانه بیمارستان کنند از صرف غذا خودداری کنم و در همین زندان لشکر ۲ زرهی زیر دست افسران وطن پرست جان بسپارم .

دکتر محمد مصدق  
رونوشت برای اطلاع و استحضار تیمسار سرلشکر  
جوادی رئیس دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر  
ارسال میشود .

۱۴ فروردین ۱۳۳۲ از زندان سکر زری

جناب آقای سرلشکر عبداله بهرست وزیر دفاع

در تمام آرزوهای گذشته که حکم محکومیت این جانب از دارگاه بدری می صادر شد به نام خصله در آن حال  
تقاضای فرجام ندم در کلاهی این جانب هم از زندان زردخورت نمودم ولی در فروردین ماه که با  
جناب تکلیف شد تقاضای تجدید نظر کردم نظر سیدکده ۲۲۲ تا زن دادش آتش زردخورت  
لا در خورت تجدید نظر حسب ترتیب اجرائی حکم دارگاه بدری خواهد بود و این جانب  
تا رسیدگی در بیان کشور از حبس مجرّمه برایم غیر قابل تحمل بود خصله شدیم تقاضای تجدید نظر نمودم و با  
دارگاه تجدید نظر با رد جواب این ماه شروع بفرست برودنّه بلورده بود تقاضای تجدید نظر  
دادستان غیر از آتش از ارباب برودنّه در بیان کشور این عند که برودنّه مورد ارجح نظام  
تجدید نظر است خود داری نمود در بیان کشور نبودت وارد رسیدگی فرجامی نمود در دارگاه تجدید  
تجدید نظر ۲۷ آشنده ماه یعنی از شب سه راه مرا بر خدش تا زن حبس مجدد تکلیف گذشت که  
روز نوروز استیم که تمام دیگر غذا نخورم چون خود را از طعم کرم این دستگاه خصله نام  
تا آن روز از آتش از آورده صبح نخوریم در این بینم فعلاً با ما تم وارد شده و در  
که این جانب زودتر از این خبری که عارضم شده غذا نخورم و گفت بسیاری نشاید نمودم  
و تا در راه بیمارستان شام پس از آن بخورم زیرا که حسب آقام نمودن خورت با آن  
نمود که عدالت مصلح تهیه کند و کمی بفرمادم ترشت دیدم شد خبر این شد در فروردین  
فرار آن بودم که آمد گفت شری بد آستان آتش زردخورت تکلیف تا فروردین  
شود و این جانب فرستم که با هر قید زنی که لازم باشد عازم دهنه امام تطهیر عبداله خواهد  
بگذرانم و روزی که دارگاه بگیرم بفرمادم و تلف خود را تمام دهم که جواب این تا این  
رسید که روز ۲۹ بعد از چهار نفر بیمارستان محرم : سرلشکر رضی زاهدی در این وزارت  
دفاع ملی از طرف این جانب در جواب در تمام از طرف است تا در آتش زردخورت از فروردین



۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۳ از زندان لشکر ۲ زرهی  
 تیمسار سرلشکر جوادی رئیس محترم دادگاه غیرقانونی  
 تجدیدنظر فوق العاده نظامی

آقایان حسن صدر و علی شهیدزاده وکلای مدافع اینجانب برای درخواست  
 اجازه شرکت در جلسات محاکمه تجدیدنظر که روز ۱۹ فروردین ماه شروع میشود روز  
 ۱۵ فروردین لایحه‌ای بدفتر دادگاه تجدیدنظر رسانیده‌اند که سرکار سرهنگ شاکری  
 منشی دادگاه بدستور آن تیمسار از قبول آن امتناع نموده‌اند .

اینک یک نسخه از لایحه مزبور بدینوسیله تقدیم میشود و برطبق همان دلایل  
 و جهاتی که در آن لایحه و لایحه سابق ایشان بنفصیل توضیح داده شده مقتضی  
 است اجازه فرمایند وکلای مذکور برای دفاع از این جانب و انجام وظیفه‌ای که بعهده  
 آنان محول نموده‌ام در جلسات دادگاه شرکت نمایند .

در این لوایح در کمال وضوح ثابت شده که جلوگیری از دفاع وکلای دادگستری  
 در محاکم نظامی بهیچوجه پایه و اساس قانونی ندارد و بنابراین اگر بر وکلای  
 این جانب اجازه شرکت و دفاع داده نشود حق دفاع این جانب صریحاً سلب شده  
 و بر هزاران خلاف قانون که تاکنون نسبت باین جانب اعمال شده این خلاف قانون  
 نیز علاوه شده است .

با این حال اگر آن دادگاه باز اجازه دفاع بوکلای این جانب ندهند بطوریکه  
 خود آنان در خاتمه لایحه خود تقاضا کرده‌اند مقتضی است بعنوان مشاور اجازه  
 ورود بدادگاه داده شود تا مانند سایر حضار در جلسات دادگاه حضور بهم رسانند و  
 در مواقع تنفس مورد شور این جانب واقع شوند .



۱۷ فروردین ۱۳۲۳ روزنامه کنگره نوری

مهتار رشید جوادی رئیس محترم دادگاه غیر متوجه بگم نظر من اینست  
 آقایان جناب صدر و ریاض همیشه زاده بگم می بران این جانب برای درخواست اجازه حرکت در  
 محاکمه بگم بگم نظر من در ۱۹ فروردین با شروع نمود روز ۱۵ فروردین لایحه ای محترم دادگاه  
 تقدیم نظر رسانیده اند که بر کار از یک شاگردی نشد دادگاه به سرور آن مهتار را قبول آن این  
 نه یک یک نامه زدایم فروردین بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم  
 دلایم به این تقدیر قرض داده شده تقدیر است اجازه و این بگم بگم بگم بگم بگم بگم  
 این جانب در تمام وظیفه ای دیده آن محمول نمودم ام جد است دادگاه حرکت بگم  
 در این اطلاع در کمال خروج نیست شده بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم  
 هیچ وجه بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم  
 حق و این جانب صریحاً سلب شده و بر آن در این شدت تا آن که بگم بگم بگم بگم بگم  
 شده این چندت تا آن نیز علاوه شده است  
 این حال اگر آن دادگاه با اجازه بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم  
 خود تعاضا کرده اند تقدیر است شدت در اجازه در دادگاه دادگاه بگم بگم بگم بگم  
 دادگاه حضرت بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم بگم